

تلویزیون، امسال هم برای ماه مبارک رمضان تدارک ویژه‌ای دیده است. به‌خصوص که ماه رمضان امسال با نوروز تلافی دارد و به‌نظر می‌رسد که این برنامه‌ها پروپیمان‌تر از قبل است. برخی از این برنامه‌ها ویژه افطار و سحر و برخی هم ویژه نوروز است. در همین راستا، قرار است «سحرنشینی» به میزبانی راحله امینیان، ویژه‌برنامه سحرهای ماه مبارک رمضان شبکه دو باشد و به آنتن برسد.

«سحرنشینی» به شبکه ۲ رسید

طراحی لباس در سریال‌های تاریخی می‌گوید

برتن آثار نمایشی

باید ترکیبی از استناد به تاریخ و افزودن سلیقه مخاطب را در نظر داشت. نجیبی می‌گوید: من معتقدم که در کار تاریخی، مستند

نمی‌سازیم، شاید در مستند به شکل دقیق به تاریخ استناد شود اما در کار تاریخی، این‌طور نیست. ما یک سریال تاریخی می‌سازیم که تاریخ در آن مهم است اما قرار نیست به شکل مستندگونه باشد یا روایت شود. چون اگر قرار باشد آن را به شکل کامل مستندگونه بیان کنیم، ممکن است خیلی از مخاطبان را از دست بدهیم و نگاه نکنند. مخاطب امروز سریال‌های تاریخی، باهوش است، همه چیز را می‌داند و می‌خواهد مژه تاریخ را بپشد. من همیشه در کارهایی که انجام دادم، تلاش کردم از این برهیز کنم که بخواهم صرفا یک چیزی را به عنوان لباس انتخاب کنم. حتی برای لباس هنروران هم فکرشده جلو رفتم. جفت و جور کردن لباس همه

بازیگران در یک سریال بزرگ، واقعا کار سختی است. تمام تاشم همیشه این بوده که حس و حال درست را برای بازیگران و حتی هنروران منتقل کنیم. این‌که چقدر موفق بوده‌ام، باید مخاطب قضاوت کند اما خودم می‌دانم که صددرصد تلاشم را برای بازسازی

تاریخ انجام داده‌ام. برخی مواقع از من درباره سندیت لباس‌هایی که در سریال طراحی کردم، می‌پرسند که من خواهم گفت تمام تلاش‌ام را برای بازسازی حس‌و حال و فرم صحیح لباس کرده‌ام. با زیبایی‌هایی که می‌توانیم در لباس‌ها نشان دهیم، می‌توانیم فرهنگ لباس‌پوشیدن و رفتار آن زمان را احیا کنیم تا دوباره مردم به سمت آن بروند. تلاش من در کارهایی که کردم همیشه این بوده که هیچ کاراکتری بی‌حس‌و حال جلوی دوربین نرود. همیشه دلم می‌خواهد تمام جزئیات را بازسازی کنم.

زکی‌زاده هم در این خصوص به امکان باز بودن دست طراح لباس

برای افزودن تخیل اشاره کرده و می‌گوید: ممکن است در برخی

موارد به سبب ضرورت، علاوه بر استناد به مستندات تاریخی، برخی

چیزها را اضافه کنیم. مثلا در دوران صفویه دست‌مان برای استناد

به جزئیات باز است؛ چراکه اشاره‌های بسیاری در اسناد به این دوره

تاریخی شده است. مثلا در کارهای شاه‌عباس در اصفهان، بسیاری

از نگارگری‌ها را داریم که می‌توان به آن استناد کرد. در برخی کارها

هم به واسطه اضافه‌شدن افسانه، دست طراح لباس بازنر است.

به‌عنوان مثال در مستوران بی‌زمانی و بی‌مکانی

داشتیم اما با توجه به اوج‌گرفتن هنر در

دوران صفویه، تصمیم بر این شده

بود که معماری و نمایش ظروف را بر

اساس دوران صفویه انجام دهیم اما

به‌صورت مستقیم آن را بیان نکنیم.

البته در سریال هم‌پایه‌ایار قرار است

به‌صورت مستقیم بگوییم که

این برنامه با محرویت توجه به جایگاه مادران و اهمیت نقش مادری در جامعه امروز و همچنین با بیان صفات و ویژگی‌های حضرت فاطمه‌زهرا(س) و نقش ایشان در جامعه اسلامی با اجرای راحله امینیان هر سحر ماه مبارک رمضان روانه آنتن خواهد شد. سحرنشینی کاری است از گروه خانواده‌شبکه دوه تهیه‌کنندگی سیدمحمد موسویان و کارگردانی معین دسترنج که در ۳۰ قسمت، سحرهای ماه مبارک رمضان حوالی ساعت ۴

بامداد میزبان مخاطبان خواهد بود. تلویزیون در سال گذشته، ویژه‌برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد» را با اجرای فرزند جمشیدی به‌صورت زنده روی آنتن برده بود که هر سحرگاه از تلویزیون پخش می‌شد.

دوران شاه‌عباس است. این‌که دوره مشخص نیست، دست طراح را باز می‌گذارد. در عین حال در مستوران به افسانه‌ها اشاره می‌کردیم و این باعث می‌شد من دستم برای استفاده‌ها باز باشد.

بایداه و بنایدهای طراحی لباس‌های تاریخی

نکته مهم اینجاست که در استناد به تاریخ و استفاده از خیال، برخی ملاحظات را هم باید در نظر داشت. به‌عنوان مثال، نجیبی این‌طور بیان می‌کند که باید به تاریخ وفادار باشیم اما در عین حال، برای جذب مخاطبی که شبکه‌های اجتماعی دارد و سریال‌های خارجی می‌بیند، به زیبایی‌شناسی هم توجه کنیم. او معتقد است

باید در تمام کارهای تاریخی، بخشی را برای جذب مخاطب قرار داد و او در پرونده خود تلاش کرده این نکته را در نظر داشته باشد. نجیبی می‌گوید: از زمان پخش سحرخان، بازخوردهای مختلفی از مخاطبان پیرامون نحوه طراحی و نمایش لباس این سریال داشتم. این بازخوردها برای من، بسیار خوشحال‌کننده است. مخاطبان گاهی می‌پرسند که «آیا این لباس در آن دوره تاریخی بوده؟» به خیلی از آنها پاسخ می‌دهم و می‌گویم که بله. اسنادی در این رابطه وجود دارد. من در تدریس هم همین را می‌گویم که نباید تاریخ را براساس دل خودمان و چیزی که دوست داریم، روایت کنیم.

اما این پژوهشگر تاریخ‌لباس، یک نکته ضروری را هم این‌طور بیان می‌کند: نباید بدون درک یک بازه از تاریخ و تنها به

دلیل ازران‌تر شدن اثر، بازیگر را جلوی دوربین

برد. انگار امروزه محکوم

به پوشیدن لباس‌های

بی‌هویت هستیم. در حالی

که لباس‌های تاریخی موجود

در موزه، هنوز هم برای مخاطب

جذاب است. البته زندگی دیروز

با امروز متفاوت است و شکی در

آن نیست اما می‌توان گوشه‌ای از

آن شکوه را بازسازی کرد و

نمایش داد.



حتی اگر بازسازی نمی‌شود، با احترام به آن نگاه کنیم. لباس اقوام و ملیت‌های مختلف برای من بسیار عزیز و جذاب است و هر نقش یا گلی که روی لباس زنان در سرتاسر ایران می‌بینم، حالم را خوب می‌کند.

زکی‌زاده هم در این رابطه معتقد است که تاریخ کشور ما غنی است و جادار بیشتر به آن بپردازیم. او تأکید می‌کند: باید بیشتر از خروجی تحقیق آنهاپی که در این حوزه زحمت کشیده‌اند استفاده کرد. در حقیقت تنوع پوششی بالایی در تاریخ داریم. مثلا در مستوران دوال‌پارانشان دادیم که کلاهش از دوران اشکانیان و سلوارش برای دوره ساسانیان است؛ یعنی ایده آن را از آن دوران گرفته‌ایم. ما در

این حوزه غنی هستیم و می‌توانیم به شکل جذابی

آن را ارائه کنیم.

او در استفاده افراطی از کهنه‌کاری به عنوان یک

تکنیک روایت هم این‌طور می‌گوید: خاطره‌ای در

این رابطه به شما بگویم. من در یک اثر سینمایی

در خرمشهر حضور داشتم که سال ۵۹ و شروع جنگ

را روایت می‌کرد. در بخشی از کار، داخل گلخانه،

تلویزیونی به شدت کثیف و خراب گذاشته بودند.

خاطرم بود که خودم آن دوران را تجربه کرده بودم

و از نظر من، تلویزیون یک وسیله لوکس بود.

همین خاطر اعتراض کردم و گفتیم تاریخ را تحریف

می‌کنید. خودم در آن زمان بودم و آن سال‌ها

تلویزیون تازه وارد بازار شده و سالم است. باید آن را نشان دهیم.

چرا فکر می‌کنیم هرچه شکسته است را باید به اسم تاریخ نشان

دهیم؟ منظرم این است که نباید در این حوزه هم به افراط افتاد.

معتقدم که گذشتگان به‌روز زندگی می‌کردند و نباید افراطی سراغ

کهنه‌کاری برویم اما ممکن است جایی در قفسه به ما چیزی بگوید

که نیاز به کهنه‌کاری باشد. مثلا من در سریال آتش و باد (جشن

سربون) از کهنه کاری استفاده کردم تا آلباتی‌ها را نشان دهیم.

چون زندگی و شرایط شست‌وشوهای‌شان سخت بوده و قطعا

باید لباس‌شان را مستعمل نشان دهیم. به‌طور کلی خیلی موافق

کهنه‌کاری افراطی نیستم.

وقتی لباس، بازیگر را دگرگون می‌کند

اما بخشی از تلاش یک طراح لباس، در حس و حالی که بازیگر جلوی دوربین به خود می‌گیرد تجلی

پیدا می‌کند. نجیبی درباره این‌که طراحی

لباس در آثار تاریخی چقدر می‌تواند روی

بازی‌های کیفی‌تر تاثیر بگذارد، تأکید

می‌کند که وقتی بازیگر لباس درست

مربوط به یک بازه تاریخی را می‌پوشد،

روی راه رفتنش و نوع نشستن و

دیالوگ گفتن هم تأثیر می‌گذارد

و عوامل بصری باید برای

نمایش کارا کتر به بازیگر کمک کند.

زکی‌زاده هم در این رابطه، به تجربه بازخوردهایی که از بازیگران مختلف داشته اشاره می‌کند: تاکنون بازیگران همیشه دید مثبت به من داده و گفته‌اند طراحی لباسی که انجام می‌دهم، در بازی کیفی و دقیق‌تر آنها کمک‌کننده بوده است. معمولا برای بهتر دیده‌شدن کار، نظرات‌شان را بیان می‌کنند و تا آالن راضی بوده‌اند.

چقدر موفق بودیم؟

سال گذشته آثار تاریخی بسیاری از دوره‌های مختلف روی آنتن رفت. پرسش نهایی اینجاست که چقدر در تولید آثار تاریخی و خلق تصویر درست از فرهنگ ایرانی با استفاده از پوشش و لباس موفق بوده‌ایم؟ نجیبی معتقد است که در قیاس با کشورهای دیگر هنوز جای کار بسیاری داریم چراکه فاکتورهای تولید در کشور ما با کشورهای دیگر متفاوت است.

او این‌طور بیان می‌کند: کشورهای دیگر با تولید کارهای تاریخی درآمدزایی و فروش دارند. آثاری که ما تولید کردیم خوب است اما هنوز خیلی راه داریم. باید یاد بگیریم که اگر یک تیم بزرگ، بخشی از تاریخ را بازسازی می‌کند، به گونه‌ای باشد که کشورهای دیگر تمایل به خرید آن داشته باشند، من وقتی برای یک پروژه به بغداد رفته بودم، افراد زیادی درباره کارهای بصری تاریخی از من پرس و جو می‌کردند. مثلا عاشق سریال یوسف پیامبر بودند که نشان می‌داد این کار موفق بوده است. به نظرم خیلی در این حوزه جای کار داریم. شاید حمایت یا بودجه لازم باشد تا کارهای مؤثری بسازیم که کشورهای دیگر به سمت آن بیایند.

من یک مثال را سرکلاس می‌گویم که سریال ترکیه‌ای درباره دوره عثمانی فیلمنامه عجیب و غریبی نداشت و به لحاظ دراماتیک خیلی قوی نبود اما با لباس و عوامل بصری کاری کرد که شنیدم اسپانیا هم این سریال را خریده است. هیچ وقت تاریخ لباس به شکلی که روایت کردند نبوده‌اما به یک برداشت از آن دوره رسیدند و آن برداشت را چنان رنگ و لعاب دادند و به آن اضافه یا کم کردند که من به‌عنوان کارشناس تاریخ لباس برایم جذاب بود و آن را نگاه می‌کردم. درواقع سریال را دوست نداشتم اما ترکیب‌ها و خلق شخصیت با لباس را دوست داشتم. چیزی که شاید در کارهای ایرانی کمتر دیده می‌شود، جزئیات است. جزئیات باعث جذب و درگیرشدن مخاطب می‌شود. چنین کارهایی خودش به الگو تبدیل و بازسازی فرهنگ با آن انجام می‌شود.

برش

حرف آخر

آن‌طور که از صحبت‌های این دو طراح لباس برمی‌آید، استناد به تاریخ در کارهای نمایشی باید با لحاظ کردن یک مرز باریک باشد. یعنی هم لباس‌ها

را به شکل مستند و براساس تاریخ طراحی کرد و هم سلیقه مخاطب امروز را تا جای ممکن در نظر گرفت چراکه قرار است این آثار تاریخی، محلی برای جذب مخاطب و توجه به آن دوره تاریخی باشد. نکته دیگر این‌که، با وجود کارهای موفق بسیاری که تاکنون ساخته‌ایم که توانسته توجه مخاطبان را به فرهنگ پوششی و لباس‌های آن دوران جلب کند، هنوز با ایده‌آل فاصله داریم و باید به سمتی برویم که کشورهای دیگر هم دست روی آثار تولیدی ما بگذارند. درست مثل «یوسف پیامبر» که هنوز هم بعد از گذشت این همه سال، مخاطبان بسیاری دارد.

گزارش تصویری



متنوع مثل سریال‌های تاریخی

تاکنون مجموعه‌های تاریخی مختلفی روی آنتن تلویزیون رفته که هر کدام حال‌وهوای دوران خود را از طریق قصه و طراحی لباس و صحنه، به یک دوره تاریخی نزدیک کرده‌است. نگاهی به کلیت این مجموعه‌ها نشان از آن دارد که تنوع لباس چقدر در جذب مخاطبان تأثیرگذار بوده‌است.



روایت سرکشی یک شاهزاده قاجاری

از جمله مجموعه‌هایی که قصه خود را به دل تاریخ برد، «رجیل» به کارگردانی مسعود آب پرور بود. این مجموعه که با طراحی لباس‌های متفاوتی همراه بود، روایتگر پایان دوره قاجار و ابتدای روی کار آمدن حکومت پهلوی بود. دختری به نام مها از سفر کرپلا بازمی‌گردد و از طریق اسلان، پسر صحاف‌باشی متوجه برخی توطئه‌های دربار می‌شود. این مجموعه، قصه‌ای زنانه داشت و روایتگر همراهی مها با دیگر زنان اندرونی بود تا یک تعزیه عاشورایی برپا کنند. سریال رجیل با داستانی تاریخی و ماجراجویانه، حداقل قاجار تا پهلوی را زیر ذره‌بین برد. از بازیگران این مجموعه می‌توان به حمید آذ رنگ، اندیشه فولادوند، نسیم ادبی، ثریا قاسمی، کاظم هزیرآزاد، فرخ نعمتی و هومن برق‌نورد اشاره کرد.

رجیل به تهیه‌کنندگی رامین عباسی‌زاده و کارگردانی مشترک رامین عباسی‌زاده و مسعود آب پرور، محصول سال ۱۳۹۴ بود که نویسندگی آن در فصل‌های اول و دوم را فرهاد نقدعلی در دست داشت. این مجموعه با خلق کاراکترهای خاص و بازیگران درخشان، روایتی متفاوت از پایان دوره قاجار را به تصویر کشیده بود که حال و هوایی زنانه داشت.



روایت زندگی یک پیامبر

از دیگر سریال‌های تاریخی که با طراحی لباس خاص همراه بود، می‌توان به مجموعه ماندگار یوسف پیامبر اشاره کرد. این مجموعه بر اساس قصه قرآنی حضرت یوسف از زمانی شروع می‌شد که یعقوب، مردمان بنی‌اسرائیل را به یکتاپرستی خوانده و از پرستش خدایان مختلف انذار می‌داد؛ خدا، پیامبر بعدی را در نسل او قرار داد و یوسف را به وی عطا کرد که چهره زیبایی داشت. یوسف در کودکی رؤیایی می‌بیند که در آن خورشید، ماه و ۱۱ ستاره بر او به سجده می‌افتند. یعقوب که این رؤیا را شنید به او توصیه کرد تا آن را از برادران خود پنهان کند. پس از چندی، برادران یوسف که به علاقه پدرشان نسبت به یوسف حسودی می‌کردند، او را به چاه انداختند و در حضور حضرت یعقوب مدعی می‌شوند یوسف را گرق خورده و پیرانه خونی جعلی را به یعقوب نشان می‌دهند. پس از مدتی کاروانی او را از چاه در می‌آورد و به عزیز مصر، پوتیفار، می‌فروشد...

یوسف پیامبر به نویسندگی و کارگردانی فرح...! سلحشور به دلیل استقبال مخاطبان، بارها از شبکه‌ای فیلم روی آنتن رفته است.

